ZENDEGI-SALAM
زندگی سلام
روزنامه خراسان رضوی
شنبه • ۳ مرداد ۱۴۰۵
۱۰ صفر ۱۴۴۸
۲۵ جولای ۲۰۲۶
شماره ۲۲۱۰۱
۳۳۱۵

اقبال کتاب ها

گفت و گو با استاد محمد اقبال صاحب قدیمی ترین کتاب فروشی مشهد که هر روز با لبخند، چای و کلام گرمش پذیرای جوانانی است که وارد محفل دانایی او می‌شوند و به آن‌ها می‌آموزد کتاب، بال پرواز انسان است

فائزه مهاجر | روزنامه‌نگار

در هیاهوی دنیای مدرن و گذر پرشتاب زمان، هنوز هم می‌توان در گوشه و کنار شهر، نشانه‌هایی از اصالت، عشق و دانایی یافت؛ مثل کتاب‌فروشی قدیمی در چهارراه دکترا که سال‌ها پیوند میان مردم شهر و مفاهیم را مستحکم نگه داشته و صاحبش سال‌هاست در طبقه منفی ۲ مجتمع قدیمی زیست‌خاور مکانی فرهنگی برای امانت کتاب، معاشرت، هنر و ... ایجاد کرده است، پیرمردی مهربان و خودش ذوق به نام استاد محمد اقبال که زلال، خردمند و شیفته کتاب است؛ او ۶۴ سال از عمر خود را وقف ترویج دانایی کرده است. او حالا در محفلی کوچک اما پر از صفا، پذیرای مشتاقان فرهنگ و البته کتاب است. جایی که در آن، کتاب‌ها امانت داده می‌شوند تا چراغ معرفت روشن بماند. یک عصر گرم تابستانی مهمانش بودیم مشروح گفت‌وگوی ما را با این چهره ماندگار فرهنگی مشهد با این توضیح بخوانید که به‌زودی بخش‌های دیگر و شنیدنی این گفت‌وگو در بسترهای مجازی زندگی سلام منتشر خواهد شد.

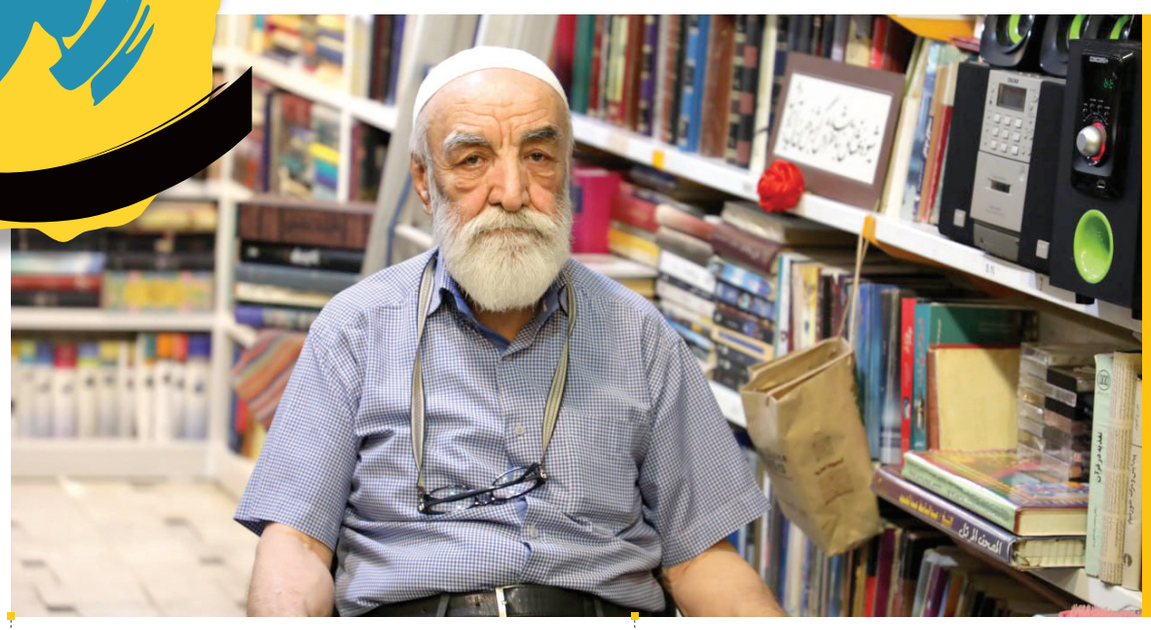

برترین نعمت پروردگار به انسان کتاب است

به عنوان اولین پرسش، از استاد اقبال پرسیدم این پیوند ناگسستنی او با کتاب و نقطه آغاز این مسیر ۶۴ ساله از کجا آغاز شد؟ او با لبخند همیشگی سخن خود را این‌طور آغاز کرد: «از نگاه من، کتاب برترین نعمتی است که پروردگار به انسان ارزانی داشته است. من همواره در آغاز سخنانم از تعبیر «به نام خداوند بخشنده مهربان، فرستنده کتاب» استفاده می‌کنم. یادم می‌آید چند وقت پیش یکی از دوستانم از کشور فرانسه تماس گرفت و گفت: «حاج‌آقا، این تعبیر فرستنده کتاب بسیار زیبا و بدیع بود.» برای او توضیح دادم که خداوند با فرستادن کتب وحیانی به‌ویژه قرآن کریم، مسیر هدایت را به انسان نشان داده است.

اگر بخواهم به نقطه آغازین این مسیر در زندگی خودم اشاره کنم، باید به دوران کودکی و رفتار پدر و مادر بزرگوارم باز گردم. ارزشمندترین یادگاری که از پدرم در ذهن دارم، این است که در دوران جوانی می‌دیدم ایشان همواره کتاب‌های ارزشمند و قرآن را پیش از مطالعه می‌بوسیدند. مادرم هم همین ارادت و دلبستگی را به کتاب‌های دعا داشتند. مشاهده این تکریم و احترام به کتاب، نشان می‌داد آن بزرگواران بسیار به کتاب دلبسته‌اند و باعث شد که عشق به کتاب در جان من بنشیند و روز به روز افزونی بگیرد و این علاقه تا جایی پیش رفت که شغل کتاب‌فروشی مرا به سوی خود جذب کرد.»

تنبیه معلم مدرسه، مسیر زندگی‌ام را تغییر داد

در ادامه از او خواستم درباره تجربه‌ای که مسیر زندگی او را تغییر داد، برایم بگوید: «حدود ۴۵ یا ۴۶ سال پیش بود که به مشهد آمدم، اما پیش از آن در تهران کتاب می‌فروختم. واقعیت این است که من در دوران دبیرستان، دانش‌آموز کنجکاو و پرجنب‌وجوشی بودم و مدام با معلمان به بحث و تبادل نظر می‌پرداختم. همین پرسش و پاسخ‌های فراوان گاهی باعث می‌شد معلم‌ها مرا تنبیه کنند. یادم می‌آید در اواخر سال دوم دبیرستان، معلم محترمی داشتیم به نام آقای پیرولی که خداوند روحشان را شاد کند. در جریان یک گفت‌وگو در کلاس، ایشان نام مرا صدا زدند و گفتند: «اقبال...» من با شوخ‌طبعی گفتم: «آقا بقیه‌اش را نگویید، خودم حفظ هستم؛ دو پا بالا و یک دست روی زمین!» کلاس از خنده منفجر شد و حتی خود معلم هم خنده‌اش گرفت. با این حال، آن روز مرا از کلاس بیرون کردند و همان اتفاق باعث شد که دیگر به مدرسه بازنگردم و مسیر زندگی‌ام تغییر کند.

در همان زمان، در سنین ۱۵ یا ۱۶ سالگی، به خیابان ولی‌عصر رفتم، بساط کتاب روی زمین پهن کردم و مشغول به کار شدم. هم‌زمان در یک شرکتی کار می‌کردم و درآمدی کسب می‌کردم. خداوند به آن روزی برکت داد، ازدواج کردم، صاحب فرزند شدم و در نهایت به شهر خودمان مشهد بازگشتم و کتاب‌فروشی «فلسطین» را در چهارراه دکترا تاسیس کردم. سال‌ها آن‌جا بودم تا در نهایت خسته شدم و مدتی است به این‌جا (طبقه منفی ۲ زیست‌خاور) آمدم. کتاب به مردم امانت می‌دهم، می‌خوانند و برمی‌گردانند.»

دوست داشتن را دوست بدار تا دوست داشتنی شوی

مشتاق بودم نظر آقای اقبال را درباره راز ماندگاری، محبوبیت و این احساس جمعی مثبتی که مردم مشهد نسبت به او دارند بدانم. از استاد پرسیدم با وجود این که کتاب‌فروشی کم نداریم چرا مردم به محفل شما دلبستگی دیگری دارند؟ انگار که شما یک خاطره جمعی مشترک برای مردم مشهد ساخته‌اید. با همان لبخند دلنشین پاسخ داد: «راز این موضوع در یک جمله خلاصه می‌شود که آن را با خط

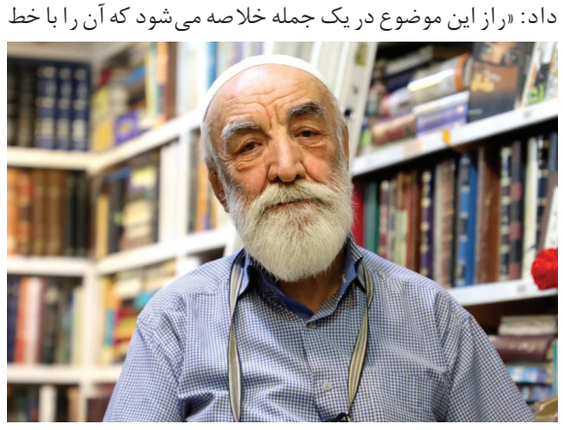

خوش در همین محل نصب کرده‌ام: «دوست داشتن را دوست داشته باش تا دوست‌داشتنی باشی.» داستان شکل‌گیری این جمله به سال‌ها پیش بازمی‌گردد. در سفری که به خارج از کشور داشتم، در نشستی هر کس باید جمله‌ای نغز می‌گفت. دختری مکزیکی از من خواست سخنی بگویم. من که انگلیسی نمی‌دانستم، به زبان فارسی این جمله را بداهه گفتم و دختر دیگری که پاکستانی بود آن را ترجمه کرد. آن دختر مکزیکی چنان شیفته این کلام شد که آن را به سه زبان لاتین، انگلیسی و فارسی روی ۵۰۰ برگه A4 رنگارنگ چاپ و منتشر کرد. این برگه در بسیاری از شهرهای کالیفرنیا، سان‌دیه‌گو، نیویورک و لاس‌وگاس پخش شد. پاسخ من به سوال شما همین است. بازتاب مهربانی، مهربانی است و پاسخ تندخویی و خشم هم بدخُلقی است. مردم مشهد اگر به من محبت دارند، به خاطر همان عشقی است که به آن‌ها ابراز شده است. این‌جا مادیات ملاک نیست؛ روی میز من دستگاه کارت‌خوانی نمی‌بینید. به قول ما مشهدی‌ها: «ما پول نمخیم، خدا رشکر ما پول دارم؛ هر وقت یک قرون بخِیم، سه قرون تو جیبما ورجه ورجه مکنه!» برکت زندگی من از کیسه پرفتوت همین مردم شریف مشهد تأمین شده است.»

محبوب‌ترین شاعر من خواجه حافظ شیرازی است

بحث شعر و ادب فارسی که به میان آمد، مشتاق شدم از استاد درباره شاعران محبوب و الهام‌بخشش بپرسم. آقای اقبال پاسخ داد: «من به تمامی شاعران کهن دلبستگی دارم و در رأس آن‌ها، حضرت خواجه حافظ شیرازی و عظمت چشمگیر حضرت فردوسی قرار دارند. در میان شاعران معاصر هم به اشعار مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، استاد شهریار و به‌ویژه فریدون مشیری علاقه وافری دارم. مرحوم مشیری در دو بیت، حق مطلب را درباره کتاب ادا کرده است، آن جا که می‌فرماید: «ای باغ پرسخاوت اندیشه‌های ناب / پنهان به برگ برگ تو اعجاز آفتاب. جان من و تو یک‌نفس از هم جدا مباد / ای خوبِ جاودانه، ای دوست، ای کتاب» همچنین فردوسی بزرگ در زمینه دین‌داری و خردورزی می‌فرماید: «به گفتار پیغمبر راه‌جوی / دلت از تیرگی‌ها بدین سان بشوی». این ابیات نشان می‌دهند که راه رستگاری از مسیر دانش و گوش سپردن به پیامبر درونی (عقل و فطرت) می‌گذرد.

جایی فراتر از یک کتاب‌فروشی سنتی

حین مصاحبه دوستان استاد در حال آمد و رفت بودند؛ یکی کتابی می‌خواند؛ یکی ساز می‌نواخت، خانم شمیم که استاد او را دخترش خطاب می‌کرد هم با انرژی زیادی از جمع پذیرایی می‌کرد. در ادامه از استاد خواستم بیشتر درباره این محفل بگوید، پاسخ داد: «بعد از سال‌ها فعالیت در چهارراه دکترا، وقتی احساس کردم به دلیل کهولت سن ممکن است آن شادابی اولیه در برخورد با مشتری را نداشته باشم، تصمیم گرفتم کار را تغییر دهم. حالا حدود ۱۶ یا ۱۷ سال است که در این مکان نشسته‌ام و کار اصلی و مورد علاقه‌ام را که کتاب بدهم و «کتاب‌رسان» باشم، انجام می‌دهم. بعضی از کتاب‌های این مجموعه هم بسیار قدیمی و خاص هستند. عصرها جوانان و اهالی فرهنگ می‌آیند، می‌نشینند، گپ می‌زنند، راجع به کتاب‌هایی که خوانده‌ایم گفت‌وگو می‌کنیم و گاهی هم موسیقی سنتی اجرا می‌شود، یکی تار می‌زند، دیگری تنبک و آن یکی آواز می‌خواند. حتی برخی از کسبه پاساژ که شاید اهل مطالعه مستمر نباشند، می‌آیند تا دقایقی خستگی در کنند و روحیه بگیرند.»

شمیم نادری هم صحبت آقای اقبال را این‌طور تکمیل کرد: «استاد کتاب‌ها را برای فروش نمی‌گذارند، چون بعضی از کتاب‌ها بسیار نفیس و نایاب هستند. مراجعان می‌توانند آثار را به صورت امانی ببرند. آن‌ها مبلغی را به عنوان ودیعه یا کارت ملی می‌گذارند و پس از مطالعه آن را بازمی‌گردانند. اگر کسی شیفته کتابی شد و خواست آن را نگه دارد، آن ودیعه به عنوان هزینه کتاب تلقی می‌شود، بابت کرایه هم هر مقداری خواستند پرداخت می‌کنند».

خانه‌ای پر از مهر در نیویورک

دوست داشتم از استاد اقبال درباره خاطرات سفرهای متعددش بپرسم و از تأثیر فرهنگ ما در میان غربیان، استاد با اشتیاق برایم توضیح داد: «در سفرهایی که داشتم تجربیات شگرفی به دست آوردم. یادم می‌آید در نیویورک به منزل آقایی رفتم که مسلمان بود و همسرش مسیحی. آن‌ها خانه‌ای بهشتی داشتند؛ پر از مهر، صمیمیت و صفا. رفتار فرزندان این خانواده بی‌نظیر بود؛ شب‌ها موقع خواب دست مادر و پدر را می‌بوسیدند. در آن خانه، بیتی از جناب سعدی را برای صاحب‌خانه خواندم: «سیب را هر طرفی داده طبیعت رنگی / آن‌چنان کز گل و گلگونه کند روی نگار». وقتی معنای تصویرگری خداوند در ارحام را برایش شرح دادم، چنان شیفته شد که تمام خانه‌اش را پر از سیب کرد و روز بعد هم رفت و کلیات سعدی را به زبان انگلیسی خرید.»

خواندنی‌ترین کتاب وجود خود انسان است

در ادامه بحث به استاد گفتم این روزها که کتاب‌های انگیزشیِ سطحی بازار را پر کرده‌اند و رمان‌های کلاسیک پر از حکمت کمتر خوانده می‌شوند اگر بخواهید به عنوان کسی که کتاب‌ها را زندگی کرده، کتابی برای درک رنج‌ها و رفع اضطراب‌ها معرفی کنید، چه پیشنهادی دارید؟ استاد پاسخ داد: «رمان ماندگار و بی‌نظیر «بینوایان» اثر ویکتور هوگو با ترجمه مرحوم مستعان، از کتاب‌های محبوب زندگی من است؛ همچنین «پیرمرد و دریا» اثر ارنست همینگوی. اما فراتر از همه کتاب‌های مکتوب، کتابی که خواندن آن بر هر انسانی واجب و ضروری است، «کتاب وجود خود انسان» است؛ یعنی همان خودشناسی. همه ما این کتاب را همراه خود داریم. باید خود را بخوانیم و ارزیابی کنیم. تابلوی این بیت شعر را در همین مکان می‌بینید که نصب شده: «تو نیک و بد خود هم از خود بپرس / چرا باید از دیگری محتسب؟» پس از خودشناسی، نوبت به هستی‌شناسی می‌رسد، این که از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم؟ مرگ پایان زندگی نیست. به قول سهراب سپهری: «مرگ پایان کبوتر نیست.» زندگی با مرگ آغاز می‌شود و زندگی حقیقی، پرواز از این قفس به سوی ملکوت است.»

مسافرانی در کاروانسرای دو در

از استاد خواستم به عنوان سخن پایانی، برای جوانی که امروز در جست‌وجوی حقیقت و آرامش است، توصیه‌ای داشته باشد. استاد با بغضی که در گلو داشت سخنش را این‌گونه به پایان رساند: «من همواره توصیه می‌کنم که به قرآن کریم رجوع کنیم. آیه ۳۰ سوره روم می‌فرماید: «فاقم وجهک للدین حنیفا فطرت ا... التی فطر الناس علیها... ذلک الدین القیم ولکن اکثر النّاس لا یعلمون». این آیه دین قیم و پایدار را بر اساس فطرت پاک انسانی معرفی می‌کند. همچنین در آغاز کتاب در سوره بقره می‌فرماید: «ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین * الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلاة». یعنی در این سخن شک راه ندارد. در ادامه نشانه‌های متقین را می‌گوید که ایمان به غیب دارند. غیب یعنی بدانیم گذشته ما، روزی ما، فردای ما و مرگ ما همگی در غیب است و ما مسافرانی در این کاروانسرای دو در هستیم، نه مقیمان. باید آماده باشیم. همچنین تأکید شده است «یقیمون الصلاه» و نه «یقرئون»؛ یعنی نماز را برپا داریم نه این که بخوانیم و مفاهیم عظیمی چون «ا... اکبر» و «الحمدلله» را در زندگی و رفتار خود پیاده کنیم. گاه در همین محفل کوچکی که داریم، با یک جمله زندگی فردی دگرگون می‌شود و مسیرش به سوی الهیات و معنویت تغییر می‌کند.»

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قوچان

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۲۰/۹/۱۳۹۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی شهرستان قوچان مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرزورای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل اگهی میگردد
املاک متقاضیان واقع در اراضی چنبر غربال پلاک ۲۸۸ اصلی بخش ۲ قوچان
۱- رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۳۸۲۰ – ۱۴۰۵/۳/۲۷ خانم جواهر احتشام به شماره ملی ۲۱۸۱۱۳۲۹۷۶ نسبت به ششدانگ یک زمین مزروعی به مساحت ۴۰۴۶.۹۲ متر مربع و از محل مالکیت رسمی و مشاعی متقاضی.
۲- رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۳۸۲۵ – ۱۴۰۵/۳/۲۷ آقای حمید عطا، پور مشهد به شماره ملی ۰۹۳۵۵۱۵۸۸۷ نسبت به ششدانگ یک زمین مزروعی به مساحت ۱۸۰۱۱.۱۳ متر مربع و از محل مالکیت رسمی و مشاعی متقاضی
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق، در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسیدا خذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارئه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین اگهی نوبتی و تحدید حدود بصورت همزمان باطلاع عموم میرساند و نسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را بصورت اختصاصی منتشر مینماید. م الف ۳۹۱ شناسه ۲۲۲۷۷۵۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۴/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۱۲
علی سرایی – رییس ثبت اسناد و املاک قوچان
۱۹۸۲۹۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای صادره به شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۱۰۰۳۷۴۵ – مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک سبزوار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم وهب رمضانی به شناسنامه شماره ۲۰۷۲ شماره ملی ۰۷۹۳۵۵۲۷۹۶ صادره سبزوار فرزند حسن در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۵۷.۴۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۶۳۳۵ فرعی از ۶ اصلی بخش ۳ سبزوار مع الواسطه از محل مالکیت مالک رسمی کاظم بروجردی وضیا، الحق ناوی و وجیهه ناوی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف:۴۰۵/۷۳۵۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
علی آب باریکی – رئیس ثبت اسناد واملاک سبزوار
۱۹۸۲۱۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۲۲۳۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای/ خانم محمود خدیوی بیدگلی فرزند محمد علی بشماره شناسنامه ۱۸۷۰۲ صادره از مشهد در ششدانگ یک قطعه زمین نیمه محصور با کاربری کشاورزی به مساحت ۱۰۰۹.۸۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۶ اصلی واقع در اراضی ناظرآباد خراسان رضوی بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو خریداری از محل مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۹۲۳۸
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۱۹
بشیر پاشائی – رئیس ثبت اسناد و املاک
۱۹۸۲۳۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای صادره به شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۱۰۰۳۷۵۰ – مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک سبزوار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم مریم موتمن به شناسنامه شماره ۲ شماره ملی ۰۷۹۴۵۷۵۲۵۰ صادره سبزوار فرزند عباس در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۳.۳۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۵۱۵ فرعی از یک اصلی بخش ۱۲ سبزوار بلاواسطه از محل مالکیت رسمی خودش محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف:۴۰۵/۷۳۴۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
علی آب باریکی – رئیس ثبت اسناد واملاک سبزوار
۱۹۸۲۲۴